

سازمان فدائیان (اقلیت) چه می‌گوید و چه می‌خواهد، سازمان‌های سیاسی طرفدار نظام سرمایه داری چه می‌گویند و چه می‌خواهند؟

صفحه ۵

نگاه کوتاهی به جنبش دانشجویی ایران و راهکاری برای نیرومندتر شدن

گرامی می‌دارند و خاطره‌ی سه دانشجوی مبارز به نام های شریعت رضوی، قندچی و بزرگ‌نبا را که در این روز و چند ماه پیش از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به خون تپیدند، زنده نگاه می‌دارند. شمار بزرگی از رفقاء فدائی نیز که در زمان شاه دستگیر، زندانی و اعدام شدند از همان دانشگاه‌هایی می‌آمدند که شاه در نامیدن‌شان به عنوان "مرکز خراب‌کاری" شک نمی‌کرد.

اما رژیم جمهوری اسلامی علاوه بر دشمنی اش باعلم و دانش و آگاهی که برخاسته از ماهیت دینی اش است، از همان روزهای اول استقرار خود به مقابله با دانشجو و دانشگاه همت گمارد و دست رژیم شاه را در این زمینه از پشت بست. حکومت اسلامی به نام "انقلاب فرهنگی" و با پاری نخستین رئیس جمهوری دانشگاهها را به خاک و خون کشید و آن‌هارا تعطیل کرد. گماشته‌گانش همچون عبدالکریم سروش و صادق زبیا کلام به تصفیه و قلع و قمع استادان و دانشجویان پرداختند و به جای آنها مشتبه آخوند و پاسدار بسیجی را برگرسی -ها و صندلی‌های دانشگاهها نشاندند. تمام تشكیلات صنفی و سیاسی دانشجویی از جمله دانشجویان پیشگام را منحل و سرکوب کردند و به حایش "دفتر تحکیم وحدت دانشگاه و حوزه" تشکیل دادند.

همان‌گونه که در بالا آمد، ازان جایی که جنبش دانشجویی نمی‌تواند به عنوان پدیده‌ای در خود عمل کند، ضد انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی و ۸ سال جنگ ارتقا یافته آن با عراق از عده دلایل رکود جنبش دانشجویی بود. جمهوری اسلامی که هر جنبش و مطالبه‌ی توده‌ای را به نام "جنگ‌حق‌علیه باطل" و "تا فتح کربلا و قدس" سرکوب و دعوت به سکوت می‌کرد، باجنبش دانشجویی نیز چنین رفتاری را پیشه کرد. اما سرانجام خمینی جلد "جام زهر" را نوشید و جنگ‌خاتمه یافت. مطالبات

امروز جنبش دانشجویی، اهمیت آن و تاثیری که این جنبش مانند تمام جنبش‌های دیگر در ایران دارد، جزو مهم ترین مباحثی است که در اخبار، تحلیل گروه‌های سیاسی و روند روی دادها مطرح می‌شود. اما همان‌گونه که طبقات گوناگون اجتماعی تعریف های مختلفی از آزادی، دمکراسی و حقوق دمکراتیک دارند، سطح انتظار آن‌ها نیاز جنبش دانش -جویی متفاوت و بحث‌انگیز است و از این جا تعریف شان نیز از جنبش به طور عام و جنبش دانشجویی به ویژه، تفاوت‌هایی آشکار و چشم ناپوشیدنی دارد. از نظرما کمونیست -ها، جنبش دانشجویی، مانند هرجنبش یا حرکتی، فرایندی از مبارزه‌ی اضداد است که به محتوای درونی تغییرات شکل می‌دهد. پس جنبش دانشجویی نیز پدیده‌ای نیست که در خلاء عمل کند و در پیوند تنگاتنگ با کل جامعه و هر چه در آن می‌گذرد، نباشد. بدین جهت است که جنبش دانشجویی نیز مانند دیگر حرکت‌های اجتماعی از فراز و نشیب‌هایی برخوردار بوده و خواهد بود، زیرا با همان حرکت‌های اجتماعی در پیوند بوده و خواهد بود و مانند آن‌ها گاهی با سرکوب عقب می‌نشیند و با از سرگیری مبارزه با اضداد واپسگرایی خود و پس راندن آن‌ها به پیش می‌رود.

تاریخ ۵۰ سال اخیر ایران نشان می‌دهد که جنبش دانشجویی در کشور ما دائماً بر اهمیت‌شده عنوان بخشی از جنبش عمومی توده‌ای و اجتماعی افزوده و این افزایش وزن در ارتباط با گسترش شمار دانشجویان و مراکز آموزش عالی بوده است. ترس و وحشتی که دو رژیم ضد بشری شاه و جمهوری اسلامی نیز از جنبش دانشجویی داشته و دارند درست از همین جابر می‌خیزد.

جنایات رژیم شاه علیه دانشگاه بر کسی پوشیده نیست. دهه‌های اول است که دانشجویان ایران روز ۱۶ آذر را به نام روز دانشجو

تأثیرات دوگانه سیاست امپریالیسم بر جمهوری اسلامی

سفر اخیر جک استراو وزیر خارجه انگلیس به ایران و مجموعه سخنانی که در این رابطه ایراد کرد و به دنبال آن اظهارات کالین پاول وزیر امور خارجه آمریکا پیرامون رویدادهای داخلی ایران، بار دیگر بر سیاست شلاق و تان قندی بلوك امپریالیستی آمریکا و انگلیس در مقابل جمهوری اسلامی مهرت‌آمد می‌زند. سیاستی که، توامان یک رشته عقب نشینی از مواضع پیشین جمهوری اسلامی و یک رشته پیشروی مدام برای بلوك امپریالیستی را در پی داشته است. اگر نزدیک به دو سال پیش، ۲۰ ورود وزیر خارجه انگلیس پس از حدود سال به تهران، اعتراضاتی ولو سمبیلیک در برابر سفارت انگلیس در تهران را در پی داشت، این باراما، واکنش در برابر این سفر، آن هم فقط چند روز بعد از اظهار نظر توپی برای تقاضه ازبوش و گفتن این که "تظاهرات ضد رژیم استحقاق حمایت دارد"، از حد نزد محدود چند عنصر متشکل گردانده روزنامه کیهان و رئیس فراکسیون "روحانیون مبارز" در مجلس و امثال این‌ها، فراتر نرفت. گرچه مباحث فیمابین جک استراو و دولت جمهوری اسلامی به طور علنی و روشن مطرح نشده و این البته از خصوصیات دیلماسی مخفی است، اما با توجه به سابقه مسئله و سیاست آمریکا پس از یازده سپتامبر و نیز با توجه به تحولات و رخدادهای سیاسی منطقه بالا رهه با توجه به محتوای کفتار طرفین می‌توان بهاین مسئله پی برد که علاوه بر موضوع جلب همکاری هم‌جانبه جمهوری اسلامی در زمینه رعایت پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (جمهوری اسلامی این پیمان را امضا کرده است) و امضاء پروتکل الحاقی آن (که امکان و شرایط بازاری سر زده بازار سان آژانس بین -المللی اتمی را فراهم می‌سازد)، مسائل دیگری از قبیل مداخله در امور داخلی عراق، مسئله تروریسم و جریان القاعده، گروههای مذهبی فلسطینی و روند مذاکرات میان اسرائیل و فلسطین و بالاخره مسئله "حقوق بشر" از جمله مسائل مورد بحث و مناقشه بوده است.

صفحه ۲

از صفحه ۱

تاثیرات دوگانه سیاست امپریالیسم بر جمهوری اسلامی

وزیر خارجه انگلیس نزدیکترین متحدار پایی آمریکا، در جریان مذاکرات خود با مسئولین و مقامات جمهوری اسلامی آمرانه از جمهوری اسلامی خواست که هر چه زودتر پروتکل الحاقی پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را ماضا کند. ولی، این موضوع را خواست اتحادیه اروپا خواند و تهدید کرد چنانچه جمهوری اسلامی آن رامضا نکند و طبق خواست بلوک امپریالیستی آمریکا و انگلیس عمل نکند، از اخذ موافقت نامه تجاری با اروپا که جمهوری اسلامی طی چندین سال گذشته، تلاش زیادی برای کسب آن به کار برد است، و به طرقی اولی از توسعه تجارت با اروپا محروم خواهد شد و علاوه بر آن، قضیه تحريم های اقتصادی دولت آمریکا و محدودیت‌های مربوط به آن، کماکان به قوت خود باقی خواهد ماند!

اگر درگذشته، جمهوری اسلامی بامراجده و پنهان بردن بهاروپا و زبان می‌توانست فشارهای آمریکا را تحدیث کند، در شرایط کنونی امکان چنین مانوری وجود ندارد. موضع اروپا، به رغم اختلافاتش با آمریکا، با سیاست آن در این زمینه همانگ شده است. زبان به عنوان یکی دیگر از شرکای تجاری جمهوری اسلامی نیز، شرط احتیاط را در نظر می‌گیرد و ضمن ابراز نگرانی نسبت به برنامه های هسته‌ای جمهوری اسلامی خواهان آن شده است که دولت ایران، اجازه ورود بازرسان بین المللی برای بازرگانی کامل تاسیسات هسته ای جمهوری اسلامی را صادر کند. علاوه بر این، روسیه نیز که از سایرین به جمهوری اسلامی نزدیکتر بود، امضاء پروتکل الحاقی را به جمهوری اسلامی توصیه نموده است.

مقامات دولتی جمهوری اسلامی در برای تهدیدات وزیر خارجه انگلیس که در عین حال تا حدود زیادی حامل پیام و مجری سیاست دولت آمریکا نیزهست، فوراً کوتاه آمدند. در عین حال آن‌ها از دخالت سران آمریکا و انگلیس در امور داخلی جمهوری اسلامی ایران، گله و انتقاد اشند و خواستار تغییر این شیوه بودند. مسئله القاعده، عدم دخالت در امور داخلی عراق، مسئله فلسطین، موضوعاتی بودند که جمهوری اسلامی جرات چون و چرا بر سرانها را نداشت و ندارد. در مرور "ترویریسم" نیز قضیه به همین صورت است. خواهش خاتمی و دیگر مقامات دولتی فقط این بود که این هم-کاری، "دوجانبه" و با "حسن نیت" توان باشد و با "ترویریست هایی که بشترین ضربه را به جمهوری اسلامی زده اند"، برخورد جدی شود. جک استراو نیز وعده برخورد جدی با مجاهدین را داد و در عین حال اضافه کرد که "در این خصوص اقدامات مهمی در عراق انجام شده است!" به هر رو، سخنان و عکس العمل

است، اما نباید فراموش کرد که رعایت یا عدم رعایت حقوق بشر برای این دولت‌های فقط مسئله‌ای تعیین کننده نبوده و نیست، بلکه این دولت‌ها همواره استعداد چشم فروپیش نهاده اند. اگرچه این نقض "حقوق بشر" و کنار آمدن با ارجاعی ترین رژیم‌هایی که به خشن ترین نحوی این حقوق را نقض و پایی مال کرده اند، داشته اند و دارند. این که آیا ادول غربی و امپریالیستی امتیازات اقتصادی و سیاسی کافی به دست آورده اند تا به نرمش های جمهوری اسلامی در این حدود اکتفا کنند و فرضیه طور کامل از کنار مسئله نقض "حقوق بشر" بگذرد و آن را بهانه کسب و تکمیل امتیازات خود نسازند؟ این که آیا در گام‌های بعدی، فرضاً در جریان بازرسی تاسیسات انژری هسته ای جمهوری اسلامی، بهانه‌ی دیگری به همین منظور بتراشند و رژیم راحت فشار بگذارند؟ اینها نکاتی است که بعداً مشخص می‌شود اما موضوعی که از هم‌اکنون روش است این است. آمریکا و متحد اصلی آن انگلیس، حتاً سایر دولت‌های غربی و امپریالیستی، برای کسب امتیازات اقتصادی و سیاسی، برای گسترش نفوذ خود در ایران و برای غارت و چیاول دسترنج کارگران و زحمتکشان ایران، سیاست شلاق و نان قندی را وسیعاً به کار خواهند بست. هر جالازم باشد، برپایه اطلاق "محور شر" به جمهوری اسلامی، سیاست تغییر رژیم و هرچا ایجاب کند، سیاست تغییر رفتار رژیم که عموماً معطوف به حمایت از یک جناح رژیم است را در پیش می‌گیرند. سیاست منطبق است، هر چند کسان دیگری در دستگاه دولتی آمریکا (امثال رامسفلد) پیرو سیاست تغییر رژیم اند.

جمهوری اسلامی و سران آن نیز که حسابی از تحولات جاری در منطقه ترسیده اند، به همان نسبت که در برابر مردم زحمتکش ایران، موضعی سخت‌گیرانه، خشونت بار و تهاجمی اتخاذ کرده‌اند، در برابر ایران دولت‌ها به موضعی نرم جویانه و کاملاً دفاعی افتاده‌اند. آنان برای حفظ منافع و موقعیت خوبی و برای ادامه حیات رژیم نگین خوبی، بیش از پیش آماده‌ی هرگونه زد و بند و سازش علیه مردم و علیه منافع مردمند. مردم زحمتکشی که هیچ راه دیگری ندارند جزآن که با تکاء به نیروی متحد خوبی و مستقل از این دولت‌ها که بعضی از نیروهای ضد انقلاب به آنها چشم دوخته بودند، برای نابودی رژیم جمهوری اسلامی ببا خیزند و آن را برای همیشه به گوربی‌سازند. انقلاب توده‌ای که مطلعه‌های آن دنیا ارتقا و سرمایه را، ساخت به وحشت و تکابو انداخته است، یگانه راه نجات توده زحمتکش مردم از شر رژیم جمهوری اسلامی و درهم پیچی نظم موجود است.

مقامات دولتی جمهوری اسلامی، گرچه در آغاز، کلی و چند پهلو بود و طرف جمهوری اسلامی منتظر بود ببیند طرف مقابل چه گذشتی نشان می‌دهد و چه امتیازی می‌دهد، اما رویدادهای بعدی حاکی از کوشش جمهوری اسلامی برای جلب رضایت جا استراو، مهره اعزامی بلوک امپریالیستی و بند و بسته‌های دیگری، با وی و با دولت‌های امپریالیستی بود.

بله افضل‌ه بعد از تهدیدات کارساز جک استراو، گذشتی نان قندی درسینی جمهوری اسلامی توسط کالین پاول و وزیر خارجه آمریکا باگفتمن این که آمریکا نباید در رویدادهای داخلی ایران دخالت کند و این که آمریکا باید در نظرداشته باشد که رئیس جمهور ایران به طور آزادانه انتخاب شده است، حاکی از توافقات جدید پشت پرده بود. به دنبال این اظهار نظر، وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز سریعاً عکس العمل نشان داد. خرازی، با شعف زیادی از سخنان پاول استقبال کرد و آن را "نشانه‌ای از پذیرش واقعیت" خواند و چنین اظهار امیدواری نمود که این واقع بینی‌ها، استمرار یافته و به تغییر "رویکرد آمریکا" نسبت به جمهوری اسلامی منجر شود!

واقعیت این است که جمهوری اسلامی در زمینه پذیرش خواست ها و شرط و شروط بلوک امپریالیستی مشکلی ندارد و چه در مورد عدم مداخله در امور داخلی عراق، چه مسئله فلسطین و چه موضوع تروریسم و جریان القاعده، تاکنون نیز البته برای حفظ و بقاء خوبی، از موضع پیشین خود کوتاه آمد است. در زمینه امضاء پروتکل الحاقی پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی خواهان آن شده است که دولت ایران، دیگر از شرکای تجاری جمهوری اسلامی نیز، شرط احتیاط را در نظر می‌گیرد و ضمن ابراز نگرانی نسبت به برنامه های هسته‌ای ایران، اجازه ورود بازرسان بین المللی برای بازرگانی کامل تاسیسات هسته ای جمهوری اسلامی را صادر کند. علاوه بر این، روسیه فرست دارد، اما از هم‌اکنون ورود الیادعی (رئیس آژانس بین المللی انژری هسته‌ای) را به ایران خوش آمد گفته است.

نرمش در سیاست خارجی اما همه جا با تشديد سرکوب و گسترش اختناق داخلی همراه بوده است. خاتمی، خامنه‌ای و دیگر سران رژیم، دانشجویان و سایر اقشار مردم زحمتکشی را که ده روز متولی در اکثر شهرهای بزرگ ایران علیه رژیم دست به تظاهرات و راهپیمایی زدند، اغتشاش‌گر خواند که باید بی رحمانه سرکوب شوند. از وحشت گسترش و تعمیق این اعتراضات و برآمدهای توده ای، دستگیری و حبس دانشجویان، کارگران، معلمان و سایر شهر و ندان در تمام سطوح افزایش یافته است، حتاً طرفداران نظام نیز به صرف یک انتقاد و مخالفت، دستگیر و روانه زندان می‌شوند که این، با مسئله رعایت "حقوق بشر" حتاً در چارچوب نرمخانه دولت‌های غربی و امپریالیستی نیز همکوئی ندارد. اگرچه مسئله "حقوق بشر" یکی از مباحث میان جمهوری اسلامی و دولت‌های غربی و امپریالیستی

اعتراض به دستگیری ها و برای آزادی همه می دستگیر شدگان پس از دیدار آیت الله طاهري، امام جمعه مستعفی این شهر، مختومه اعلام شد. آخوندی به نام عبایي خراسانی، نماینده دوم خردادی مشهد در مجلس ارتعاج اسلامی، روز ۱۳ تیر به خبرگزاری فارس گفت: "خواسته اعتصاب کندگان در دانشگاه مشهد، که همه دانشجویان در بند آزاد شوند، خواسته درستی نیست بلکه دانشجویان باید خواهان سرعت عمل دستگاه قضایی برای رسیدگی به پرونده دانشجویان شوند." همین آیت الله مردم فریب در همان روز به خبرگزاری دانشجویان ایران گفت: "از دانشجویان می خواهمن که به اعتصاب غذای خود پایان دهند." قطعاً اعتصاب غذای دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد به درخواست عبایی خراسانی پایان نیافت، اما از آن جایی که این اعتصابات به نام انجمن‌های اسلامی، زیر نفوذ دوم خردادی‌ها، برگزار می شد، پایان آن‌ها هم نمی‌توانست بدون فشار این تشکیلات همراه نباشد که به همراه تشکیلات "وابسته به جناح دیگر تنها تشکلات "قانونی" در جمهوری اسلامی هستند.

به نظر می‌رسد که جنبش دانشجویی نیز مانند جنبش کارگری و جنبش‌های دیگر ژمنتکشان ایران هم چون معلمان و پرستاران و غیره چاره‌ای ندارد که هر چه سریعتر در اندیشه تشکیلات‌کاملاً مستقل خود باشد. اما واضح است که این تشکیلات مستقل نمی‌توانند "قانونی" باشند و می‌بایستی به شکل کمیته‌های اقدام و مخفی شکل بگیرند. نمونه این کمیته‌ها در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ ۱۲۵۷ شکل گرفتند و کارآیی خود را به خوبی نشان دادند. بدون مشکل شدن در کمیته‌های اقدام و اعتصاب مخفی، یا در مرحله‌ای تشکلات علی‌الله در لفافه حرکت‌های فرهنگی و ورزشی، امکان استقلال از تشکیلات موجود که همگی وابسته به حکومت هستند به هیچ وجه مقدور نیست. کمیته‌های اعتصاب و اقدام تشکیاتی هستند که در روند سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی خواهند توانست به شورا‌های کارگران، دانشجویان، معلمان و تمامی ژمنتکشان ایران ارتقاء یابند و خود به تصمیم گیری و اجرای تمام‌امور اجتماعی بپردازنند و این نوعی از دمکراسی مستقیم است که امروز کمونیست‌های ایران به نام حکومت شورایی از آن دفاع می‌کنند و برای استقرارش در ایران مبارزه می‌نمایند.

آری، جنبش دانشجویی ایران مانند بقیه جنبش‌های اجتماعی کشور جنبشی در خود و برای خود نیست. این جنبش، جنبشیست ملهم از و الهام دهنده به جنبش‌های دیگر اجتماعی و به ویژه کارگری. دانشجویان ایران در سال‌های اخیر به درستی و بارها شعار "کارگر، دانشجو، اتحاد، اتحاد" را تکرار کرده‌اند. در این صورت هیچ دلیلی ندارد که جنبش دانشجویی از برخی انواع و شکل‌های تشکل‌هایی که مختص کارگران است استفاده نکند تا بتواند متعدد مبارزه کند و پیروز شود.

نگاه کوتاهی به جنبش دانشجویی ایران و راهکاری برای نیرومندتر شدنش

موقعتاً به عقب براند اما همان طور که همگان شاهد بودیم جنبش دانشجویی در خیزشی نوین در ۲۰ خرداد به میدان آمد و این بار نه پنج روز که ده روز بر رژیم جمهوری اسلامی تاخت. جنبش خرداد ماه دانشجویان از همه لحظه ارتقاء یافته بود. شعارها دیگر بیشتر علیه جناح ولایت فقیه و خامنه‌ای نبود و علناً و آشکارا کل رژیم را نشانه می‌گرفت. جنبش این بار به سرعت به شهرهای بزرگ دیگر و حتاً شهرهای کوچک تر نیز سرایت کرد و از تاکتیک‌های جدیدی، چون تظاهرات شبانه، استفاده کرد. ظرفیت جنبش برای مقابله با اتهامات رژیم و همچنین بخشی از اپوزیسیون بورژوازی بسیار بالا بود. همین که سران رژیم "عوامل اغتشاشات" را امپریالیسم‌آمریکا یا رسانه‌های تصویری سلطنت طلب وابسته به آن معرفی کردند، دانشجویان و مردم با این اتهامات ابلهانه توسط شعارهایی چون "این جنبش دانشجویی است، نه جنبش آمریکایی" و شعارهای مقایسه‌ای چون "خامنه‌ای حیا کن، سلطنت را رها کن" یا "مرگ بر شاه، مرگ بر شاه، اکبر شاه" مقابله کردند. جنبش خرداد ۱۳۸۲ هم چنین پاسخ دنдан شکنی به رژیم بود که دیگر نمی‌تواند با سرکوب و کشتار جلوی روند سرنگونیش را بگیرد. در مهر ۱۳۸۸ فقط دریک نمونه، بیدگاه رژیم در تبریز ۲۱ تن را از ۳ ماه، تا ۹ سال به حبس محکوم کرد که هنوز نیز برخی از آنان در زندان به سر می‌برند.

از ۱۸ تیر ۷۸ تا ۲۰ خرداد ۸۲ جنبش دانشجویی ایران گام‌های بزرگی را به سوی استقلال از گروههای وابسته به جناح‌های حکومتی برداشته است. دفتر تحکیم وحدت مدتهاست که شرمش می‌آید تا نام کامل خود، یعنی دفتر تحکیم وحدت حوزه و دانشگاه، را بیان کند. در این دفتر انشعاب رخداده واندک نفوذی را که در برخی از دانشجویان داشته از دست داده است. رسوایی این تشکل به حدی بالا گرفته که برخی از سرنشیق قصد آن دارند که حتاً نام خود را زدفتر تحکیم وحدت به دفتر تحکیم دمکراسی (یقین از نوع دینی!!) تغییر دهند. به هر حال، چه دفتر تحکیم وحدت نامش را تغییر بدهد یا ندهد، از نظر دانشجویان تشکلی وابسته به حکومت و دستگاهی برای تحقیق و جاسوسی در میان دانشجویان باقی خواهد ماند. با تمام گام‌های مثبتی که جنبش دانشجویی ایران به ویژه از ۴ سال پیش بدین سو برداشته است، اما خیزش ۲۰ خرداد نشان داد که این جنبش باز هم از نیرومندی کافی برخوردار نیست. برخی از اعترافات دانشجویی که پس از سرکوب‌گری رژیم آغاز شدند، از جمله اعتصاب غذا در دانشگاه‌های مختلف، گواهی است برای مدعی. اعتصاب غذای دانشجویان اصفهان در

متراکم توده‌ای در شورش‌هایی در اینجا و آن‌جا، از جمله مشهد و قزوین، سر برون آورد و به تبع آن جنبش دانشجویی نیز دور تازه‌ای از پویایی و حرکت رو به جلوی خود را آغاز نمود.

بدیهی است که رژیم جمهوری اسلامی نیز نمی‌توانست بیکار بنشیند و از آن جایی که تدبیر و اقدامات سرکوب گرانه‌ی "پیشگیرانه‌ای" را در دستور کار قرار داد، یکی از این اقدامات، ۹ ماه پیش از خیزش پرشکوه دانشجویی ۱۸ تیر ۱۳۷۸، به تصویب مجلس ارتعاج اسلامی رسید. روز دوازدهم مهر ۱۳۷۷ بود که این مجلس "طرح گسترش بسیج دانشجویی" را به تصویب رساند. براساس این طرح، "دانشگاه‌ها می‌بایستی بیش از گذشته میلیتاریزه می‌شوند. سازمان بسیج دانشجویی وابسته به سپاه پاسداران به منظور "آموزش و سازماندهی دانشجویان و استادان جهت دفاع از دست آوردهای انقلاب اسلامی و بسط تفکر پیشیجی" می‌بایستی در کلیه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به ایجاد "بسیج دانشجویی" اقدام می‌کرد. در واقع این طرح که یک سال واندی پس از ریاست جمهوری خانمی به تصویب رسید، قرار را براین گزارده بود که ضمن نظامی کردن بیشتر، یک مجوز رسمی و قانونی برای تقویت دستگاه سرکوب و جاسوسی در دانشگاه‌ها برپا کند.

امروز خوب می‌دانیم که اقداماتی از این قبيل نتوانست جلوی پیشروی جنبش دانشجویی را بگیرد. چنان‌که از ۱۸ تیر ۱۳۷۸، دانشجویان پنج روز پی در پی ارکان رژیم را به لرزه در آورده و با شعارهایی چون "انصار جنایت می‌کند"، "رهبر حمایت می‌کند"، "خامنه‌ای حیا کن" سلطنت را رها کن" و "۱۸ تیر امسال ۱۶ آذر ماست" رژیم جمهوری اسلامی و شاه را مقایسه کرده و سرکوبگری هر دو را یادآوری نمودند. جنبش دانشجویی در ۱۸ تیر ۴ سال پیش به خوبی ظرفیت توده ای شدن و سراسری گشتن خود را نشان داد. آن‌گاه که دانشجویان کوی دانشگاه تهران به خیابان کارگر شمالي آمدند، هزاران تن از مردم به آنها پیوستند و یکباره شعارهایشان نیز در این پیوند را دیگر اثر ندارد. "جمله "نوب، تانک، بسیجی، دیگر اثر ندارد" "مردم، قیام شروع شده" ۲۰ سال سکوت تمام شده" و "مرگ بر این حکومت آخوندی". یکی دو روز بعد نیز گسترده‌ی تظاهرات به تبریز، مشهد، رشت، اصفهان، شیراز و چند شهر دیگر رسید.

هرچند که رژیم جمهوری اسلامی توانست با سرکوب و بگیر و ببند از سویی و گسیل نمودن برخی از دوم خردادی‌ها به دانشگاه‌ها و بهره گرفتن از تشکیلات دانشجویی اش چون دفتر تحکیم وحدت از سویی دیگر جنبش ۱۸ تیر را

خلاصه ای از اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های سازمان

رفیق الف - پویان، دو قطعه شعر برای نشريه‌کار فرستاده‌اند. با سپاس از رفیق به خاطر ارسال این سرودها، در زیر یکی از این اشعار را درج می‌کنیم.
این شعر در سال ۶۳ و در زندان قزل‌حصار سروده شده است.
(پیام آوران بهاران)

«یورش وحشیانه نیروهای سرکوب به دانشگاه کردستان» عنوان اطلاعیه‌ای است که در تاریخ ۱۳۸۲/۴/۱۴ توسط سازمان انتشار یافت. در این اطلاعیه گفته شده است که نیروهای ضد شورش رژیم شب گذشته دانشگاه کردستان را مورد یورش مسلحانه قراردادند که در نتیجه آن یک دانشجو کشته، ۴ تن در اثر اصابت گلوله روانه بیمارستان شده و ۱۵۰ تن بازداشت شده‌اند.
اطلاعیه سازمان با محکوم کردن این اقدام سرکوبگرانه، می‌افزاید که در طول دو هفته گذشته، حداقل ۶ تن از دانشجویان و تظاهر کنندگان به قتل رسیده‌اند. دهها تن در اثر گلوله مجروح و مصدوم شده‌اند و حلوود ۴ تا ۵ هزار نفر بازداشت شده‌اند.

در پهن دشت میهن من
فوج فوج کبوتران سپید
بی آنکه آشیانه بسازند
بی آنکه، فرستی یابند
تاعشق را، بریلنداي زمانه نشانند

در تاریخ ۱۳۸۲/۴/۷ کارگران و کارکنان شرکت ملی گاز در اعتراض به خصوصی سازی این شرکت در برایر در ورودی وزارت نفت اجتماع نموده و تحصن کردند. سازمان ما در این روز اطلاعیه‌ای تحت عنوان «تجمع اعتراض آمیز کارگران در برابر وزارت نفت» انتشار داد.

اطلاعیه می‌گوید که کارگران شرکت گاز متخصص در برابر وزارت نفت، ضمن ابراز مخالفت شدید با واکذاری این شرکت، نسبت به بلا تکلیفی خود نیز اعتراض دارند و خواستار ضمانت شغلی می‌باشند. این اطلاعیه می‌افزاید، در عین حال روز گذشته، کارگران کوره پزخانه محمودآباد خاورشهر نیز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خوش دست به اعتراض زدند و خواهان پرداخت مطالبات معوقه خود شدند. اطلاعیه سازمان، در پایان از مطالبات کارگران شرکت گاز و کارگران کوره پزخانه حمایت نموده و از کارگران سایر واحدها به ویژه کارگران نفت دعوت می‌کند که به این اعتراضات به پیوندند و از آن حمایت کنند.

با فریادهای به خون نشسته شان
بالای دار می‌روند
اینان، پیام آوران بهارانند
که این گونه، بیقرار
گل می‌دهند، در دشت خونین میهن من
اینان، پیام آوران بهارانند
که این گونه شادمانه، لبخند می‌زنند
و بذر رهایی را
با گام‌های استوار
در سرزمین زخمی من می‌افشانند
تا باور کنیم، سپیده‌های بلند را
در پس شبانه‌های دراز

تشکیلات خارج کشور سازمان، در تاریخ ۴ روئیه، پیامی خطاب به شورای هماهنگی نیروهای چپ و کمونیست در استکهم انتشار داد. تشکیلات خارج کشور سازمان، در این پیام، از سوی همه فعالان و هواداران سازمان به رفقاء شورای هماهنگی نیروهای چپ و کمونیست در استکهم که از روز ۲۸ روئیه، در لوکال حزب چپ سوئد دست به تحصن زده تا از مبارزات کارگران، دانشجویان، معلمان و عموم زحمتکشان پشتیبانی نمایند، درود فرستاده واژ مبارزات آنها حمایت نموده است.
در این پیام با اشاره به موقوفیت‌های این اقدام اعتراضی به ویژه در جلب حمایت اتحادیه‌های کارگران از مبارزات کارگران ایران و دیدار با نماینده بین‌المللی اتحادیه سراسری کارگران سوئد، به تظاهراتی اشاره شده است که قرار است روز ۹ روئیه (۱۸ تیر) در برابر سفارت جمهوری اسلامی، از سوی شورای هماهنگی استکهم برگزار گردد.

در پایان این پیام نیز، با مبارزات و مطالبات شورای هماهنگی نیروهای چپ و کمونیست در استکهم اعلام همبستگی شده و برای آنها آرزوی موفقیت شده است.

در همین رابطه، واحد سازمان در سوئد نیز با صدور اطلاعیه‌ای از تحصن شورای هماهنگی نیروهای چپ و کمونیست در استکهم حمایت نموده است. در این اطلاعیه، ضمن اشاره به گسترش اعتراضات توده‌ای، بن بست سیاسی اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی و ضرورت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به عنوان یگانه راه حلی که در برابر توه مردم قرارداد، از جمله آمده است: در شرایطی که صدای حق طلبانه کارگران از هیچ بلندگویی به گوش نمی‌رسد، در شرایطی که دولت‌های امپریالیستی واپوزیسیون بورژوازی ایران، سعی دارند تا تنها صدای موجود را صدای جریات راست بورژوازی معرفی کنند، شما با حرکت اعتراضی خود سعی نمودید صدای مبارزات کارگران وزحمتکشان ایران و خواست‌هایشان را به گوش جهانیان برسایند.

واحد سوئد امید دارد از این اقدام حمایت نموده و فعالانه در آن شرکت کنند.

سازمان فدائیان (اقلیت) چه می‌گوید و چه می‌خواهد؟ سازمان‌های سیاسی طرفدار نظام سرمایه داری چه می‌گویند و چه می‌خواهند؟

جمهوری اسلامی به واپسین لحظات حیات ننگین اش نزدیک شده است. توده‌های مردم ایران بار دیگر به پا خاسته‌اند تا با برانداختن رژیم ارجاعی جمهوری اسلامی، به اهداف و مطالبات خود جامه عمل پوشند.

اکنون زمان آن فرارسیده است که کارگران و زحمتکشان و همه ستمدیدگان، درس‌های بزرگی را که انقلاب ۱۳۵۷ آموخت به باد آورند و در عمل به کار بندند تا ثمره تلاش مبارزه و جانشانی شان مجدداً برباد نروند. باید از هم اکنون هوشیار بود. به عده و وعید نباید اعتماد کرد. کارگران و زحمتکشان، زنان و جوانانی که تمام بار انقلاب آتی ایران بر دوش آنهاست، باید آگاهی و شناخت روشی از برنامه، اهداف و سیاست‌های احزاب، سازمان‌ها و شخصیت‌های سیاسی که خود را مخالف رژیم جمهوری اسلامی معروفی می‌کنند داشته باشند و بینند که آنها چه می‌گویند، چه می‌خواهند و از منافع کدام طبقه دفاع می‌کنند. این درس بزرگ انقلاب ۱۳۵۷ هرگز نباید فراموش شود که سرنگونی رژیم سیاسی به تنهایی برای تحقق مطالبات توده‌های مردم کافی نیست. این که قدرت سیاسی در دست کدام طبقه قرارخواهد گرفت، سرنوشت جنبش کنونی، انقلاب آتی و مطالبات توده‌های مردم ایران را تعیین خواهد کرد.

اهداف و برنامه فوری

سازمان فدائیان (اقلیت) چه می‌گوید و چه می‌خواهد؟

سازمان‌های طرفدار نظام سرمایه‌داری چه می‌گویند و چه می‌خواهند؟

سازمان فدائیان (اقلیت) که مدافعان منافع طبقه کارگر وaz موضع این طبقه، مدافعان منافع و خواسته‌های عموم توده‌های زحمتکش و ستمدیده است، برای برانداختن نظام سرمایه داری و استقرار یک جامعه سوسیالیستی مبارزه می‌کند. هدف فوری سازمان فدائیان (اقلیت) سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک حکومت شورایی در ایران است که به فواید مطالبات آزادی خواهانه و دمکراتیک، اجتماعی و رفاهی توده‌های مردم را متحقق خواهد ساخت. از ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ که سازمان چریک های فدایی خلق ایران پایه گذاری شد، تا به امروز، سازمان‌ها همواره برای تحقق اهداف و آرمان‌های انسانی آزادی خواهانه و سوسیالیستی به مبارزه ادامه داده و ادامه خواهد داد.

انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی

سازمان فدائیان (اقلیت) همواره براین عقیده بوده است که با وجود جمهوری اسلامی نه تنها هیچ بهبودی در وضعیت توده‌های زحمتکش مردم و تحقق مطالبات آنها ممکن نیست، بلکه مادام که این رژیم به حیات خود ادامه می‌دهد، مدام وضع وحیم‌تر خواهد شد.

لذا پیوسته براین حقیقت تأکید کرده است که راه نجات مردم ایران از شر فجایعی که جمهوری اسلامی بهبار آورده است و تحقق مطالبات آنها، جز از طریق یک انقلاب، سرنگونی تام و تمام جمهوری اسلامی و درهم شکستن تمام دستگاه دولتی موجود که ایزار ستم و سرکوب طبقه حاکم برای در انتقاد نگهدارشتن توده‌های مردم است و بدون انتقال قدرت سیاسی به کارگران و زحمتکشان مشکل شده در شوارها و تغییرات ریشه‌ای و رادیکال ممکن نیست.

از همین رو سازمان فدائیان (اقلیت) که در طول تمام دوران موجودیت جمهوری اسلامی، مخالف بی‌گیر این رژیم بوده است، نخستین سازمانی بود که با به قدرت رسیدن خاتمی، اعلام کرد که آنچه وی می‌گوید، جز یک وعید توخالی نیست و در چارچوب جمهوری اسلامی، امکان اصلاحات و تحقق خواسته‌های فوری مردم وجود ندارد.

اکنون که این حقیقت برهمنگان آشکار شده است، بار دیگر تأکید می‌کنیم که بدون سرنگونی جمهوری اسلامی از طریق یک انقلاب، بدون درهم شکستن دستگاه دولتی موجود و بدون انتقال قدرت سیاسی به توده‌های کارگر و زحمتکش مشکل شده در شوراها، تحقق خواسته‌های توده‌های مردم ایران ممکن نیست.

احزاب و سازمان‌های سیاسی مدافعان و طرفدار نظام سرمایه داری که از منافع سرمایه داران و ملاکین دفاع می‌کنند، از دو گروه سلطنت طلب و جمهوری خواه تشکیل شده‌اند. این سازمان‌ها، مدافعان نظام اقتصادی – اجتماعی موجودند که در آن، اصلی ترین وسائل تولید و توزیع، در تملک طبقه سرمایه‌دار و دولت پاسدار منافع آنها قراردارد، در حالی که اکثریت عظیم مردم یعنی کارگران، ناکاربرند نیروی کار خود را به سرمایه داران بفوشنند، استثمار شوند و سودهای هنگفت برای سرمایه داران ایجاد کنند.

در چنین جامعه‌ای است که سرمایه و ثروت در یک قطب و فقر و بدختی در قطب دیگر انشاش شده است. در شرایط کنونی که جمهوری اسلامی به واپسین لحظات حیات ننگین اش رسیده است، این سازمان‌ها، هدف فوری خود را جلوگیری از وقوع یک انقلاب و انتقال قدرت سیاسی به توده‌های کارگر و زحمتکش قرار داده‌اند. برخی از این سازمان‌ها با عده اصلاحات محدود برای رسیدن بایان اهداف تلاش می‌کنند.

رفاندم و اصلاحات محدود

احزاب و سازمان‌های مدافعان نظام سرمایه داری، همواره در تلاشید مردم را از انقلاب بر جنر دارند. آنها از انقلاب می‌ترسند، چرا که انقلاب، طغیان ستمدیدگان علیه ستمگران است. تعریض آشکار به نظم ستمگرانه سرمایه‌داری است. این سازمان‌ها، چندین سال در مورد امکان اصلاحات در چارچوب رژیم جمهوری اسلامی توهمند پراکنی کردند. اکنون نیز که توده‌های وسیع مردم پی برده‌اند که با وجود جمهوری اسلامی، تحقق مطالبات آنها ممکن نیست، به منظور مهار جنبش توده‌ای، شعار رفاندم را علم کرده‌اند تا مانع انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی شوند. آنها با طرح اینشعار، اولامی کوشند، مجدد این توهمند را ایجاد کنند که گویا، رژیم جمهوری اسلامی تابع رأی مردم خواهد شد و دریک رفاندم به خواست آنها گردن می‌نهد.

ثانیاً هدف مهم‌تر آنها این است که مانع انقلاب شوند، ابتکار عمل را از توده‌های مردم بگیرند و قدرت سیاسی به شکلی مسالمت‌آمیز و بدون این که به دستگاه ستم و سرکوب دولتی سرمایه داران آسیبی وارد آید، از یک جناح سرمایه‌داران به جناحی دیگر از آن منتقل گردد. بنابراین روشن است که چرا تمام احزاب و سازمان‌های طرفدار نظم سرمایه داری، از سلطنت طلب، جمهوری خواه، ملی‌گرای، مشارکتی و مجاهدین انقلاب اسلامی گرفته تا چپ‌های لیبرال، همه یک صدا شعار رفاندم را سر می‌دهند.

صفحه ۶

اوصفحه ۵

سازمان‌های طرفدار نظام سرمایه‌داری چه می‌گویند و چه می‌خواهند؟

مجلس مؤسسات

سازمان‌های مدافعان نظام سرمایه‌داری، ظاهراً ادعا می‌کنند که مردم ایران حق دارند در مورد نظام سیاسی آینده کشور تصمیم بگیرند. آنها می‌گویند که چنان‌چه جمهوری اسلامی در یک رفراند از سوی مردم طرد شود، یا به هر حال تحت شرایطی سرنگون گردد، مجلس مؤسسات تشکیل خواهد شد که نظام آینده کشور را تعیین خواهد کرد. اما نخستین سوالی که مطرح می‌شود، این است که چه کسی این مجلس مؤسسات را فرامی‌خواند؟ پاسخ می‌دهند که چاره‌ای نیست، جز این که عده‌ای غیر منتخب مردم از افراد سرسناس، یک حکومت موقت تشکیل دهند و این ارگانی است که انتخابات را برگزار و مجلس مؤسسات را تشکیل می‌دهد.

خوب که دقت کنیم، می‌بینیم که طرح آن‌ها درست عین ماجراهی به قدرت رسیدن خمینی و جمهوری اسلامی است. در آن زمان نیز خمینی و طرفداران او به عنوان سپرست و قیم مردم، یک حکومت موقت منصب کردند و گفتنده که حکومت موقت، مجلس مؤسسات را تشکیل می‌دهد که نظام آینده کشور را تعیین نمایند. اما آنها که پیش‌پایش قدرت را قبضه کرده بودند وارگان‌های خود را ایجاد نمودند، یک روز از مردم خواستند که به پای صندوق‌های رأی بروند و نمایندگانه خود را انتخاب کنند. بدینه بود که آنها با در دست داشتن قدرت و تمام امکانات مادی و تبلیغاتی، نمایندگان خود را برگرسی بنشانند و مجلس خبرگان خود را تشکیل دهنند. بعد هم به مردم گفتند، خوش‌آمدید به خانه‌های خود بازگردید و نمایندگان کاتتان تصمیم لازم را خواهند گرفت.

وقتی هم که مردم دیدند، از درون مجلس مؤسسات موعود، مجلس خبرگان ارجاع اسلامی با مصوباتی فوق ارتجاعی درآمده است، دیگر دستشان از همه جا کوتا بود. اکنون نیز می‌خواهند همین ماجرا را تکرار کنند. مجلس مؤسسات، نهادی متعلق به نظام سرمایه‌داری است. در خدمت طبقه سرمایه دار قرارداده و از درون آن چیزی جز ثبت قدرت سیاسی مرتجعین و سلب قدرت از تode‌های کارگر و زحمتکش درخواهده‌اند.

دموکراسی پارلمانی

احزاب و سازمان‌های طرف دار نظام سرمایه‌داری که سال‌ها مجری و حامی سیاست‌های طبقه سرمایه‌دار، از طریق اختراق و سرکوب و برقراری دیکتاتوری عربیان در ایران بوده‌اند، اکنون که مردم بای سرنگونی رژیم ضد دمکراتیک و ضد انسانی جمهوری اسلامی به پاخته‌اند، وعده برقراری یک دمکراسی پارلمانی را به مردم ایران می‌دهند. دمکراسی پارلمانی به عنوان دمکراتیک ترین شکل حاکمیت طبقه سرمایه‌دار، به این معناست که به مردم این حق داده می‌شود که مثلاً هر چهار سال یک بار پای صندوق رأی گیری بروند و آزادانه نمایندگانی را برای مجلس انتخاب کنند و یا یک رئیس جمهور برگیرند.

در دمکراسی پارلمانی ظاهراً مردم آزادند که به هر کس می‌خواهند رأی دهند و هر شهر و روستا یک رأی دارد. این ظاهر قضیه است، در عمل چنین نیست. سرمایه‌داران، قدرت دولتی را در اختیار دارند. امکانات مالی و سیعی دارند. وسائل و امکانات تبلیغاتی و شکل دهنده به افکار عمومی از جمله، رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها و مجلات در انحصار آنهاست، که قادرند چنان به افکار عمومی شکل دهند که بدون این که نیازی به تقلیل های انتخاباتی، تهیید و فشار داشته باشند، نمایندگان موردنظر خود را برگرسی‌های مجلس بنشانند و یا رئیس جمهور مورد نظر خود را در رأس قدرت اجرا می‌کنند.

در دمکراسی پارلمانی، احزاب متعددی وجود دارند که هنگام انتخابات به مردم و عده و عیده‌های زیادی می‌دهند، اما به جز احزاب وابسته به طبقه کارگر، هنگامی که نمایندگان این احزاب، انتخاب شدند، وعده‌های خود را فراموش می‌کنند و به آنچه عمل می‌کنند که منافع طبقه سرمایه‌دار ایجاب می‌نمایند. از آنجایی که در دمکراسی پارلمانی، حق فراخوانی از مردم سلب شده است و آنها نمی‌توانند نماینده‌ای را که خود انتخاب کرده‌اند معزول کنند، لذا دستشان از همه جا کوتاه است و باید منتظر به پایان رسیدن دوره نمایندگی چهارسال وی شوند.

صفحه ۷

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتراض عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

کنگره سراسری شوراهای نمایندگان کارگران و زحمتکشان شهر و روستا

سازمان فدائیان (اقلیت) که مدافعان حاکمیت کامل تode‌های زحمتکش مردم ایران برسرنوشت خویش و انتقال تمام قدرت به تode‌های کارگر و زحمتکش است، خواهان تشکیل کنگره سراسری شوراهای نمایندگان کارگران و زحمتکشان شهر و روستا به منظور تصمیم‌گیری درمورد نظام آینده کشور است. تode‌های مردمی که در جریان برانداختن جمهوری اسلامی، ارگان‌های اقتدار خود را نظیر شوراهای در کارخانه‌ها و محلات، ایجاد می‌کنند، تنها قدرت صاحب صلاحیت برای تشکیل ارگانی هستند که باید نظام آینده کشور را تعیین و به عنوان عالی ترین ارگان، تصمیم‌گیری کنند. تode‌های کارگر و زحمتکش، دیگر نیازی به سپرست و قیمی که حکومت موقت برای آنها تشکیل دهد و یک روز هم از آنها بخواهد که به پای صندوق رأی گیری بیانند و نمایندگانی برای مجلس مؤسسات انتخاب کنند، ندارند.

شوراهایی که از پایین ترین سطوح، در کارخانه‌ها، مؤسسات خدماتی و فرهنگی، پادگان‌ها، محلات، روستاها تشکیل می‌شوند و مردم با شناخت و آگاهی کامل، نمایندگان خود را برای عضویت در این شوراهای انتخاب می‌کنند، قادرند به عنوان ارگان‌های انتخابی ذی صلاح، زمام امور کشور را به دست گیرند و با تشکیل کنگره‌ای سراسری از شوراهای نمایندگان درمورد نظام آینده کشور نیز تصمیم‌گیری کنند.

کنگره شوراهای نمایندگان کارگران و زحمتکشان شهر و روستا به عنوان عالی ترین ارگان تصمیم‌گیرنده کشور، نه فقط این‌جهت که مردم با شناخت و آگاهی کامل، نمایندگان خود را از پایین ترین سطوح برگزیده‌اند، تبلور خواست و اراده تode مردم است، بلکه این حق را برای موکلین محفوظ می‌دارد که در هر لحظه احساس کنند نمایندگان‌کشان، از خواست و اراده آنها عدول کرده‌اند، آنها را معزول و نمایندگان دیگری را به جای آنها برگزینند.

دموکراسی شود؟

سازمان فدائیان (اقلیت) از استقرار یک دمکراسی مستقیم دفاع می‌کند که عالی ترین و کامل ترین شکل دمکراسی است. در این نوع از دمکراسی، تode‌های کارگر و زحمتکش مستقیماً اعمال حاکمیت می‌کنند، سیستم انتصابی مقامات به کلی بر می‌افتد و کلیه مناصب و مقامات دولتی از صدر تا ذیل، انتخابی و در هر لحظه قابل عزل هستند. ارگان‌های اعمال حاکمیت و دمکراسی مستقیم که مردم ایران با آنها آشنایی دارند، شوراهای هستند.

تode‌های مردم در شهرها و روستاها، در هر جایی که کار می‌کنند و نیز در محل زندگی شان، نمایندگان مورد اعتماد و شناخته شده خود را از میان خودشان انتخاب می‌کنند و با تشکیل شوراهای، رقق و فتق امور را در دست می‌گیرند. این شوراهای نمایندگان مردم کارگر و زحمتکش، در سطح روستاها، شهرها، استان‌ها و مناطق به ارگان‌های عالی اراده امور کشور را در آن منطقه بر عهده می‌گیرند. در بالاترین سطح، کنگره سراسری شوراهای نمایندگان تشکیل می‌شود که بالاترین ارگان تصمیم‌گیرنده کشور خواهد بود.

در یک چنین دمکراسی، دیگر نیازی به بوروکراسی و نیروهای مسلح مجازاً از مردم مألف آنها نیست. تode‌های مردم خود مستقیماً اداره امور کشور را بر عهده می‌گیرند و به رقق و فتق امور روز موه خود می‌پردازند. نیروهای مسلح حافظ این دمکراسی، نیز خود تode‌های مردم تحت اتوريت شوراهای هستند. در دمکراسی شورایی برخلاف دمکراسی پارلمانی که مجلس، مرکز دراچی و سخنرانی است و تصمیمات اصلی کشوری را بوروکراسی و مقامات انتصابی می‌گیرند، شوراهای از قدرت تمام و تمام برخوردارند. چرا که در آن واحد هم از قدرت قانون کناری برخوردارند و هم اجرایی.

در دمکراسی شورایی، دیگر به فردی به نام رهبر و رئیس جمهور و وزرای انتصابی

صفحه ۷

سازمان‌های طرفدار نظام سرمایه‌داری چه می‌گویند و چه می‌خواهند؟**سازمان فدائیان (اقلیت) چه می‌گوید و چه می‌خواهد؟**

در دمکراسی پارلمانی، سیستم انتخابی مقامات در همین حدود و تا اندازه‌ای در سطح محلی، محدود می‌ماند. بقیه مقامات و صاحب منصب کشوری و لشکری، همه انتصابی‌اند و جزو لاینفک و همیشگی دستگاه بوروکراتیک. نکته مهم اما دراین است که در یک دمکراسی پارلمانی، قدرت واقعی در دست ارگان‌ها و نهادهای ظاهرآ انتخابی نیست. بلکه در دست یک بوروکراسی حرفه‌ای با تجربه، ممتاز و کاملاً جدا از مردم است که امورکشور را اداره می‌کند و در کنار آن نیروهای مسلح حرفه‌ای مجزا از مردم قرارگرفته‌اند که در رأس آنها نیز فرماندهان عالی رتبه انتصابی قرار دارند. احزاب و نمایندگان منتخب ولوچه ترین آنها می‌ایند می‌روند، بدون این که چیزی تغییر کند. چون درواقع قدرت درجای دیگری است. در حقیقت امر، دمکراسی پارلمانی، یک دمکراسی برای اقلیت ثروتمند و سرمایه دار است ونه برای توده‌های وسیع کارگر و زحمتکش وستمیله که اکثریت مردم را تشکیل می‌دهند.

آزادی‌های سیاسی محدود و ناقص

سازمان‌های سیاسی طرفدار نظم سرمایه داری به مردم وعده می‌دهند که در پی کنار رفتن جمهوری اسلامی، آزادی‌های سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم را به رسمیت خواهند شناخت. تجربه، اما در دوران رژیم سلطنتی وجمهوری اسلامی به مردم ایران نشان داده است که طبقه سرمایه دار حاکم پیرایران، از آنجایی که مورد نفرت توده‌های کارگر و زحمتکش مردم ایران قرارداد، مهواره از آن می‌ترسد که کارگران و زحمتکشان ایران از این آزادی برای متشکل شدن و آگاه شدن استفاده کنند وحاکیت طبقاتی آن را براندازند. لذا در تمام دوران حاکمیت خود، با برقراری دیکتاتوری‌های عربیان درایران وسلب آزادی‌های سیاسی بر مردم حکومت کرده است. این که اکنون آنها وعده دمکراسی پارلمانی و آزادی‌های سیاسی را به مردم می‌دهند، یک وعده وادعاست. با این همه حتا در یک دمکراسی سرمایه و ثروت ظاهرآ مردم از آزادی‌های سیاسی برخوردارند، نه فقط حاکمیت سرمایه و ثروت مانع از آن می‌گردد که اکثریت عظیم مردم از این آزادی‌ها برخوردار شوند، بلکه همهواره این آزادی‌ها با دهها قید و شرط و اما و مگر محدود شده‌اند. دمکراسی پارلمانی به ویژه در دورانی که طبقه سرمایه دار در مقیاس جهانی به یک طبقه ارتضاعی تبدیل شده است به نحو روزافزونی، با محدودتر شدن آزادی‌های سیاسی همراه است.

تل斐ق پوشیده دین و دولت

فجایعی که تلفیق آشکار دین و دولت در جمهوری اسلامی به بار آورده است، سبب شده است که تقریباً عموم سازمان‌های مخالف جمهوری اسلامی، خود را مدافعان جدایی دین از دولت معرفی کنند. استثناء دراین مورد سازمان مجاهدین خلق و برخی دیگر از گروههای ملی – مذهبی هستند که هنوز هم ازاستقرار یک حکومت اسلامی دفاع می‌کنند. اما تقریباً تمام احزاب و سازمان‌های سلطنت طلب و جمهوری خواه، به رغم این که خود را مدافعان جدایی دین از دولت معرفی می‌کنند، در واقعیت امر، مدافعان تلفیق پوشیده دین و دولت، نظری آن چیزی هستند که در دوران رژیم سلطنتی درایران وجود داشت. از کجا می‌توان به این مسئله پی برد؟ از این واقعیت که آنها دین و مذهب رسمی را نهی نمی‌کنند. درحالی که جدایی دین از دولت دقیقاً به این معناست که دولت، هیچ دین و مذهبی را به عنوان دین رسمی کشور به رسمیت شناختند. چرا که اگر یک دین، به عنوان مذهب رسمی کشور به رسمیت شناخته شود، به این معناست که امتیاز ویژه‌ای برای یک مذهب خاص وجود دارد. لذا باید در قوانین کشور و عملکرد دولت، هم قواعد و مقررات این دین ممنوع شود، و هم رابطه معینی، گیریم به شکل پوشیده بین دولت و دستگاه روحانیت وجود داشته باشد. بنابراین به رسمیت شناختن یک دین رسمی به این معناست که بربک نابرابر میان کسانی که به دین رسمی معتقدند و آنها که دینی سوای دین رسمی کشور دارند و یا اصلاً دین ندارند، صحه گذاشته شده است. در عین حال به رسمیت شناختن این دین رسمی به معنای محدود کردن آزادی‌های سیاسی به بهانه مغایرت با موازین مذهبی و سلب حقوق دمکراتیک مردم از جمله در مورد زنان است که دین

سازمان فدائیان (اقلیت) چه می‌گوید و چه می‌خواهد؟

مذهب و دستگاه روحانیت مطلقاً نباید هیچگونه دخالتی در مدارس و برنامه‌های آموزشی داشته باشند.

برابری کامل حقوق اجتماعی و سیاسی زن و مرد

سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان الغاء کامل و فوری هرگونه ستم و تبعیض بپایه جنسیت است.

لذا باید بدون هرگونه محدودیت و قید و شرط، برابری حقوق اجتماعی و سیاسی زن و مرد به طور کامل به رسمیت شناخته شود و تمام قوانین و مقررات ارتجاعی مربوط به تعدد زوجات، صیغه، حق طلاق یک جانبی از سوی مردان، تکلف و سیریستی فرزندان، قوانین و مقررات تبعیض آمیز درمورد ارشت، مقررات حجاب اجباری، جداسازی زن و مرد در مؤسسات و مرآکر عمومی و خلاصه کلام، کلیه مقررات و اقدامات سرکوبیگرانه نظیر شلاق و سنگسار و غیره باید به فوریت ملغاء و منع اعلام شوند.

هرگونه فشار، تحقیر، اجبار و اذیت و آزار و خشونت علیه زنان و کودکان در محیط خانوادگی نیز باید ممنوع اعلام گردد و مجازات شدیدی در مورد نقض آنها اعمال گردد.

حق سقط جنین بی قید و شرط به رسمیت شناخته شود.

زنان باید بتوانند آزادانه و با برابری کامل با مردان در تمام شئون زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مشارکت داشته باشند و به تمام مشاغل و مقامات بدون استثناء دسترسی داشته باشند.

سازمان فدائیان (اقلیت) براین نکته نیز تأکید می‌ورزد که هرچند اقدامات فوق الذکر کام‌های مهمی درجهت رفع نابرابری و تبعیض نسبت به زنان اند، اما هنگامی برابری حقوقی آنها به یک برابری واقعی و همه جانبه تبدیل خواهد شد که در ایران سوسیالیسم مستقر گردد.

سازمان فدائیان (اقلیت) تنها، خواهان برابری حقوقی و قانونی میان زن و مرد نیست، بلکه خواهان یک برابری همه جانبه و کامل و رفع تام و تمام هرگونه ستم و تبعیض نسبت به زنان است.

الغاء کامل ستم و تبعیض ملی

سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان الغاء کامل هر گونه ستم و تبعیض بپایه ملت است. لذا خواهان آن است که حق تعیین سرنوشت برای ملل ساکن ایران به رسمیت شناخته شود و ملت‌های تحت ستم، ازین حق برخوردار باشند تا آزادانه در مورد سرنوشت و آینده خود تصمیم بگیرند.

سازمان فدائیان (اقلیت) که حق تعیین سرنوشت را برای ملل ساکن ایران به رسمیت می‌شناسد، از اتحاد داوطلبانه و آزادانه تمام ملت‌های ساکن ایران برمبنای حقوق برابر دفاع می‌کند.

سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان آن است که تمام مللی که آزادانه و داوطلبانه کشور را تشکیل می‌دهند، از خود اختاری وسیع منطقه‌ای برخوردار باشند.

هرگونه زیان رسمی اجرای نیز باید ملغایه شود و حق اهالی به آموزش زیان مادری در مدارس و آموزشگاهها واستفاده از آن در نهادهای دولتی و مجتمع عمومی به رسمیت شناخته شود.

اقدامات فوری به نفع جوانان و دگرگونی بنیادی در نظام آموزشی کشور

سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان تحقق فوری حقوق فردی و آزادیهای فردی، اجتماعی و سیاسی جوانان، حل معضلات تحصیلی و بیکاری و ایجاد امکانات گستره ورزشی، فرهنگی و هنری به منظور رشد و شکوفایی جسمانی، معنوی و فرهنگی جوانان است.

سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان دگرگونی بنیادی نظام آموزشی کشور به نحوی است

سازمان‌های طرفدار نظام سرمایه‌داری چه می‌گویند و چه می‌خواهند؟

اسلام برابری زن و مرد را نمی‌پذیرد. بنابراین روش است که چرا سازمان‌های سیاسی سلطنت طلب و جمهوری خواه که ادعا می‌کنند به جدایی دین از دولت باور دارند، به رسمیت شناختن مذهب رسیم را نفی نمی‌کنند و این خود نشان می‌دهد که آنها طرفدار تلفیق پوشیده دین و دولت‌اند.

برابری حقوقی محدود و صوری زن و مرد

ستم و حشیانه‌ای که جمهوری اسلامی نسبت به زنان ایران روا داشته و نیمی از جمعیت ایران را حتاً ازابتداً ترین حقوق انسانی محروم کرده است، سبب شده که تمام سازمان‌های مخالف جمهوری خواه وابسته به سمتله زنان داشته باشند. در چنین شرایطی، احزاب سلطنت طلب و جمهوری خواه وابسته به سرمایه داران نیز وعده می‌دهند که برابری حقوق زن و مرد را به رسمیت خواهند شناخت. همه این را می‌دانند که گچه وضعیت زنان در دوران رژیم سلطنتی در مقایسه با جمهوری اسلامی بهتر بود، اما در آن دوران نیز قوانین حاکم برایران، براین نابرابری صحنه‌ی گذاشت. اما این که آنها امروز نیز به رغم ادعایشان در مورد برابری حقوق زن و مرد، تها آنها خواهان جدایی کامل دین و دولت ونفی مذهب رسیم نیستند.

مادام که هر حزب و سازمان سیاسی وجود یک مذهب رسیم را می‌پذیرد، نمی‌تواند به برابری حقوق زن و مرد باور داشته باشد. چرا که پذیرش یک دین رسمی به نام اسلام، به معنای رعایت ضوابط و مقررات اسلامی در قوانین کشور است و اسلام زن را نصف مرد و شهروند درجه ۲ می‌داند. حتاً اگر معدودی از این جریانات پیدا شوند که واقعاً به جدایی دین از دولت باور داشته باشند، این واقعیت به جای خود باقیست که در نظام سرمایه داری حتاً در دمکراسی‌های پارلمانی آن، این برابری همواره صوری و محدود خواهد ماند. در دمکراسی‌های پارلمانی غرب، برابری حقوق زن و مرد، قانوناً به رسمیت شناخته شده است، اما در عمل نقض می‌گردد.

ادامه تبعیض و ستمگری ملی

ایران کشوری است چند ملیتی. اما تا به امروز همواره ملیت‌های غیر فارس ساکن ایران، با تبعیض و ستمگری روپرور بوده اند. رژیم‌های حاکم برایران هیچگاه حقوق این ملت‌ها را به رسمیت شناخته و به نام حفظ یکپارچگی ایران پیوسته آنها را سرکوب کرده‌اند.

اکنون نیز احزاب و سازمان‌های وابسته به سرمایه داران که خود را مخالف جمهوری اسلامی معرفی می‌کنند، جز ادامه تبعیض و ستمگری، سیاستی ندارند. چرا که آنها از به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت برای ملل ساکن ایران سر باز می‌زنند. آنها این حق را از ملل ساکن ایران سلب می‌کنند که آزادانه درمورد سرنوشت و آینده خود تصمیم بگیرند. بنابراین با ادامه تبعیض و ستمگری، به دشمنی ملی دامن می‌زنند.

عدم تحقق اصلی ترین مطالبات جوانان و پایه‌چائی نظام آموزشی کهنه و ارتقای

جوانان در ایران با انبوهی از فشارها و معضلات، از جمله نبود حقوق و آزادیهای فردی، اجتماعی و سیاسی، معضلات تحصیلی و بیکاری، مادی و معیشتی روپرور هستند.

سازمان‌های سیاسی طرفدار نظم سرمایه داری، تنها بر مسئله آزادیهای

ازصفحه ۸

سازمان‌های طرفدار نظام سرمایه‌داری چه می‌گویند و چه می‌خواهند؟

ازصفحه ۸

سازمان فدائیان (اقلیت) چه می‌گوید و چه می‌خواهد؟

که نزدیک‌ترین پیوند بین مدرسه و کاراجتماعی مولد برقرار گردد و آموزش‌های نظری و علمی تلقیق گردد.
در چنین سیستم آموزشی، موانع موجود برس راه شکوفایی استعدادهای جوانان برخواهد افتاد، دیگر نیازی به آیجاد موانع مصنوعی برای ادامه تحصیل نظیر کنکور وجود نخواهد داشت و هرکسی به حسب تمایل و استعداد خود قادر به ادامه تحصیلات عالی ریاضیات خواهد بود.
سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان آموزش و تحصیل رایگان و اجباری تا پایان دوره متوسطه و سازماندهی یک نهضت توده‌ای برای ریشه کن کردن بی‌سوادی است.
دولت موظف به اشتغال جوانانی است که تحصیلات خود را به اتمام رسانیده اند و مادام که مسئله اشتغال آنها حل نشده است، باید از مزایای بیکاری فرزندان را در خود داشته باشد.
دولت موظف است از طریق آیجاد و کشتش مراکز ورزشی و پرورشی، آیجاد کلوب‌های مختلف هنری، فرهنگی و دیگر مراکز و مؤسسات تفریحات سالم درجهٔ امتیاز را می‌بخواهد.
فرهنگی جوانان تلاش نماید.

اقدام فوری برای حل معضل مسکن

سازمان فدائیان (اقلیت) هرچند که حل قطعی مسئله مسکن را تنها با استقرار سوسیالیسم در ایران امکان پذیر می‌داند، معهداً به عنوان اقداماتی فوری، خواهان آن است که کلیه ساختمان‌های زائد دولتی و مصادره‌ای به عنوان مسکن در اختیار زحمتکشان قرار گیرد.

اجاره مسکن متناسب با سطح دستمزد کارگران تعیین و به مرحله اجرا گذاشته شود.
به منظور کاهش هرچه بیشتر هزینه‌های مسکن، بخشی از هزینه مسکن کارگران وزحمتکشان به عنوان سویسید توسط دولت پرداخت گردد.
همزمان با این اقدامات، یک برنامه ریزی جامع برای تولید ابوه مسکن و قراردادن آنها به بهایی نازل در اختیار زحمتکشان به مرحله اجرا درآید.

برخورداری رایگان از امکانات بهداشتی، درمانی و دارویی

سازمان فدائیان (اقلیت) که مخالف لیبرالیسم اقتصادی و کاهش بودجه‌های بهداشتی و درمانی از سوی دولت است، خواهان برخورداری تمام کارگران وزحمتکشان از امکانات بهداشتی، درمانی و دارویی رایگان است.

افزایش حقوق قانونی، بهبود شرایط کار و زندگی کارگران

سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان اقدامات فوری زیر به منظور بهبود شرایط کار و زندگی کارگران ایران است.
— برقراری یک سیستم جامع تأمین اجتماعی و برخورداری کارگران از بیمه بیکاری، درمانی، سوانح، نقص عضو، جراحت، کهولت، فرسودگی، ازکار افتادگی و امراض ناشی از حرفه و کار.
— افزایش دستمزد کارگران متناسب با سطح هزینه‌ها و تأمین معيشت یک خانواده ۵ نفره کارگری.
— ۴۰ ساعت کار و دو روز پی در پی تعطیل در هفته، یک ماه مرخصی سالانه با پرداخت حقوق کامل.
کاهش ساعات کار در رشته‌هایی که با شرایط دشوار و مخاطره آمیز رویرو هستند به ۶ ساعت در روز و ۳۰ ساعت در هفته.
— حداقل سن بازنشستگی مردان ۵۵ سال سن یا ۲۵ سال سابقه کار و حداقل سن بازنشستگی زنان ۵ سال سن یا ۲۰ سال سابقه کار.
در رشته‌هایی که با شرایط دشوار و مخاطره آمیز رویرو هستند سن بازنشستگی باید حداقل به ۴۵ سال سن یا ۲۰ سال سابقه کار محدود شود.

فردی تاکید می‌کنند ویقیه مطالبات جوانان را بدون جواب می‌گذارند.
نظام آموزشی و تحصیلی نیز که احزاب وابسته به طبقه سرمایه دار از آن دفاع می‌کنند، با اندکی تعديل همین نظامی است که اکنون در کشور وجود دارد و مانع شکوفایی استعدادهای جوانان می‌شود. در این نظام آموزشی، همواره میلیون‌ها تن از فرزندان مردم زحمتکش از سواد و تحصیل محروم می‌مانند و عمدها کسانی امکان دسترسی به تحصیلات عالی را پیدا می‌کنند که امکانات مالی آن را داشته باشند. اکنون سازمان‌های سیاسی وابسته به سرمایه داران، خواهان خصوصی سازی عموم مدارس و دانشگاه‌ها هستند که در تیجه آن، آموزش و تحصیل به انحصار کامل فرزندان شرطمندان در خواهد آمد. این سیستم آموزشی علاوه بر تمام این مسائل، راه حلی هم برای اشتغال همگانی جوانان پس از پایان دوره متوسطه یا تحصیلات عالی ندارد.

افزایش اجاره‌ها و تشدید معضل مسکن

یکی از معضلات بزرگ میلیون‌ها تن از مردم ایران، اجاره‌های هنگفت مسکن است که در هر ماه حداقل نیمی از دستمزد و حقوق مردم زحمتکش مستأجر را می‌بلعد.
احزاب و سازمان‌های طرفدار نظام سرمایه داری، هیچ کاه راه حلی برای این معضل نداشته و نخواهند داشت، چرا که مادام که نظام سرمایه داری و مالکیت خصوصی پا بر جاست این معضل همواره وجود خواهد داشت.
با ادامه و تشدید سیاست خصوصی سازی که سازمان‌های سلطنت طلب و جمهوری خواه اپوزیسیون جمهوری اسلامی نیز خود را ملزم به ادامه آن می‌دانند، نه تنها چشم اندازی برای تخفیف این معضل وجود نخواهد داشت، بلکه بالعکس اجاره بهای مسکن افزایش خواهد یافت وبا افزایش بهای مسکن، تعداد کمتری از مردم قادر به خرید آن خواهند بود.

افزایش هزینه‌های بهداشتی و درمانی مردم

تمام احزاب و سازمان‌های طرفدار نظام سرمایه داری، از سیاست موسوم به لیبرالیسم اقتصادی پیروی می‌کنند و خواهان کاهش بودجه‌های بهداشتی و درمانی از سوی دولت، افزایش بار این هزینه‌ها بر دوش کارگران و خصوصی سازی هرچه بیشتر این بخش‌ها هستند. تیجه‌با گذشت هر روز وضعیت بهداشتی و درمانی مردم و خیم تر شده و هزینه‌های آنها در این زمینه افزایش یافته است. احزاب سلطنت طلب و جمهوری خواه اپوزیسیون رژیم جمهوری اسلامی نیز، سیاست دیگری جز ادامه همین سیاست ندارند.

محدودتر شدن حقوق و امکانات کارگران

سازمان‌های سیاسی مدافع نظام سرمایه داری، همواره کوشیده اند که حقوق و امکانات کارگران را محدود کنند، تا در تیجه آن، سود سرمایه داران افزایش یابد.
سیاست موسوم به لیبرالیسم اقتصادی که در جمهوری اسلامی به مرحله اجرا درآمده است، سیاست مورد پنیرش احزاب سلطنت طلب و جمهوری خواه اپوزیسیون جمهوری اسلامی نیز هست.
ادامه این سیاست به معنای تشدید استثمار کارگران و خامت روز افزون شرایط کار و زندگی آنهاست.

لذا احزاب طرفدار نظام سرمایه داری نه فقط با افزایش دستمزد واقعی کارگران مخالفند، بلکه دستمزد واقعی را مداوماً کاهش داده و بازیهم کاهش می‌دهند.
آنها با کاهش ساعات کار نه تنها مخالفند، بلکه خواهان افزایش ساعات کارند.
نه تنها دو روز تعطیل پی در پی و ۳۰ روز مرخصی سالانه را نمی‌پذیرند، بلکه خواهان حذف یا محدود کردن آن هستند.
احزاب طرفدار نظام سرمایه داری خواهان محدودتر کردن هر ییشتر امکانات بیمه های درمانی، بیمه بازنشستگی و بیکاری هستند. آنها خواهان افزایش سن بازنشستگی هستند.

اوصفحه ۹

اوصفحه ۹

سازمان فدائیان (اقلیت) چه می‌گوید و چه می‌خواهد؟

- زنان باید از حقوق و مزایای کامل برابر با مردان در این کارمساوی برخوردار باشند.
- زنان باید از امکانات و تسهیلاتی نظری شیرخوارگاه و مهد کودک در محل کار و زندگی برخوردار باشند.
- به زنان باردار باید یک ماه قبل و سه ماه بعد از زایمان مرخصی بدون کسر حقوق داده شود و آنها از امکانات پزشکی، درمانی و دارویی رایگان برخوردار باشند.
- استخدام کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال باید ممنوع شود.
- برخورداری کارگران کشاورزی، بخش خدمات و حرفه‌ها از حقوق و مزایای مساوی با کارگران صنعتی.

سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان آزادی کامل اتحادیه‌ها و دیگر تشکل‌های کارگری و آزادی حق اعتضاب با پراخت کامل دستمزد در دوران اعتضاب است.

سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان تدوین یک قانون کار با مشارکت، نظارت و تصویب تشکل‌ها و مجتمع کارگری است.

افزایش سطح رفاه و حمتكشان روستاها

- سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان ملی شدن کلیه اراضی، مراتع، جنگل‌ها و تمام منابع طبیعی ذیر زمینی است.
- همچین خواهان مصادر فروی کلیه اراضی، املاک و وسائل تولید سرمایه داران و مالکین بزرگ، موقوفات و بنیادهای متعدد مذهبی و انتقال فروی آنها به هدقانان مشتشکل شده در شوراها و تعاقنی‌ها است.
- لغو کلیه بدھی‌های دهقانان رحمتکش به دولت، بانک‌ها و کلیه مؤسسات مالی سرمایه داری، ملاکین و رباخواران.
- تشویق دهقانان به کشت جمعی و ایجاد واحدهای بزرگ کشاورزی به منظور صرفه جویی در کار و هزینه محصولات.

دیگر اثیزه کردن اقتصاد کشور به نفع کارگران و زحمتكشان

- سازمان فدائیان (اقلیت) اثیداً مخالف سیاست‌های اقتصادی است که احزاب و سازمان‌های وابسته به سرمایه داران از آن دفاع می‌کنند و از انعام اندامات اقتصادی فروی به منظور دیگر اثیزه کردن اقتصاد کشور به نفع کارگران و زحمتكشان دفاع می‌کند.
- سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان سازماندهی تولید و توزیع به شکلی برنامه ریزی شده به نفع کارگران و زحمتكشان است. بدین منظور ضروری است که:
- کلیه صنایع و مؤسسات متعلق به سرمایه داران بزرگ، انحصارات امپریالیستی، نهادها و مؤسسات مذهبی، ملی اعلام شوند و کارخانه‌ها و مؤسساتی هم که توسط جمهوری اسلامی به بخش خصوصی واکذار شده‌اند، مجدداً از آنها بازسازی شود.
 - کلیه بانک‌ها ملی اعلام شوند و دریک بانک واحد ادغام گردند. ملی کردن بانک‌ها به این معنایست که پیشیزی از سپرده‌های مردم از آنها گرفته شود، بلکه این اندامه منظور کنترل نقل و انتقال سرمایه‌های سرمایه داران و بهبود اوضاع اقتصادی ضروریست.
 - دیگر مؤسسات مالی نظیر شرکت‌های بیمه نیز باید ملی اعلام شوند و در یک مؤسسه واحد ادغام گردد.
 - ضروریست تجارت خارجی نیز ملی گردد و کالاها به شکلی برنامه ریزی شده از طریق تعاقنی‌ها توزیع گردد تا دست تجارت و واسطه‌های مفت خور کوتاه گردد و وسائل مورد نیاز مردم به بهبیانی نازل در اختیار آنها قرار گیرد.
 - آنچه که در برنامه دیگر اثیزه کردن اقتصاد کشور ضروری است، برقراری کنترل شوراها کارگری بر تولید در تمام مؤسسات دولتی و خصوصی و یک کنترل توده‌ای بر توزیع است. لذا به منظور اجرای اکید کنترل کارگری بر تولید و توزیع ضروریست که اسزار بازرگانی ملغاً گردد تا کارگران بتوانند از نتیجه این سیاست بیکار شده‌اند. بهای کالاها همه ساله افزایشی بین ۲۰ تا ۴۰ درصد داشته است. این سیاست منجر به تنزل روز افزون سطح معیشت توده‌های زحمتكش و نشیدید فقر و گرسنگی میلیون‌ها انسان شده است.
 - اقدام دیگری که به منظور دیگر اثیزه کردن اقتصاد کشور ضروری است، لغو مالیات غیر مستقیم و برقراری مالیات تضاعفی بر ثروت، درآمد و ارث است.

الفای دیبلوماسی سری

- سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان برافتادن رسم دیبلوماسی سری و آگاهی عموم مردم از تمام مناسبات، مذاکرات، عقد قراردادها و پیمان‌ها با دولت‌های دیگر است.
- تمام قراردادها و پیمان‌های اسارت باری که مخفیانه و به دور از چشم توده مردم توسط رژیم متعقد شده‌اند، باید علنی گردند و ملغاً اعلام شوند.

سازمان‌های طرفدار نظام سرمایه‌داری چه می‌گویند و چه می‌خواهند؟

احزاب طرفدار نظام سرمایه‌داری، هیچگاه تدوین یک قانون کار با مشارکت، نظارت و تصویب تشکل‌های کارگری را نمی‌پذیرند. آنها حتاً به قانون کاری که خود به شکلی بوروکراتیک تصویب کرده‌اند، پای بند نمی‌مانند. آنها می‌خواهند هرگونه مانع و محدودیت قانونی که برسر راه هرچه بیشتر استثمار کارگران وجود داشته باشد، برچیده شود و دست سرمایه‌داران چنان باز باشد که با کارگران همانند بردگان دوران باستان برخورد کنند.

لذا آنها اکنون خواهان محرومیت هرچه بیشتر کارگران از شمال یک قانون کارنده و چنان‌چه قدرت آن را پیدا کنند یک سره هرگونه قانون کاری را کنار می‌گذارند.

و خامت وضعیت زحمتكشان روستاها

احزاب سلطنت طلب و جمهوری خواه طرفدار نظم سرمایه‌داری، برنامه‌ای جز ادامه سیاست‌های دوران رژیم سلطنتی و جمهوری اسلامی در عرصه کشاورزی ندارند. این سیاست در خدمت ملاکین و سرمایه‌داران قرار دارد. ادامه این سیاست نه تنها بهبودی در وضعیت کشاورزی پدید نمی‌اورد، بلکه به خانه خرابی و بیکاری و گرسنگی میلیون‌ها دهقان زحمتكش دیگر خواهد انجامید.

لیبرالیسم اقتصادی به نفع سرمایه‌داران

احزاب و سازمان‌های سلطنت طلب و جمهوری خواه اپوزیسیون جمهوری اسلامی، خواهان ادامه سیاست‌های رژیم جمهوری اسلامی در عرصه اقتصادی هستند که به عنوان لیبرالیسم اقتصادی‌ازسوسی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول دیکته شده است. این سیاست معنای دیگری جز بازگذاشتن دست سرمایه داران داخلی و بین‌المللی در استثمار هرچه بیشتر کارگران، چپاول و غارت ثروت‌های عمومی متعلق به توده‌های مردم و بالنتیجه کسب سودهای هنگفت برای سرمایه‌داران، نداشته و نخواهد داشت. توده‌های کارگر و زحمتكش ایران به خوبی می‌دانند که این سیاست اقتصادی که از دوران رفسنجانی آغاز شد و توسط خاتمی ادامه یافت، چه نتایج فاجعه باری به بار آورده است.

به اسم مشارکت مردم در امور اقتصادی، تعداد زیادی از کارخانه‌ها و مؤسسات تولیدی و خدماتی بخش دولتی، مفت و مجانی به سرمایه‌داران بخش خصوصی واگذار شده است. البته بهترین و سودآورترین آنها را سران و کارگزاران رژیم به تصالح شخصی خود و یا اقوام و آشنايان درآورده اند.

این سیاست که با تشیید فشار به کارگران و افزایش استثمار آنها همراه بوده است، وضعیت مادی و معیشتی کارگران را پیوسته و خیم تر کرده است. دستمزدهای واقعی کاهش یافته‌اند، حقوق و مزایای کارگران محدودتر شده‌اند. میلیون‌ها کارگر در نتیجه این سیاست بیکار شده‌اند. بهای کالاها همه ساله افزایشی بین ۲۰ تا ۴۰ درصد داشته است. این سیاست منجر به تنزل روز افزون سطح معیشت توده‌های زحمتكش و نشیدید فقر و گرسنگی میلیون‌ها انسان شده است.

ادامه این سیاست، این نتایج فاجعه بار را چند برابر خواهد کرد.

سیاست خارجی و دیبلوماسی سری

تمام احزاب مدافع نظام سرمایه‌داری، به منظور سپیوش گذاردن بر سیاست‌های ضد مردمی خود، از اصل دیبلوماسی مخفی پیروی می‌کنند. آنها مذاکرات و مباحثات پشت پرده، عقد قراردادها و پیمان‌ها و زدو بندنهای خود را با دولت‌های دیگر، پوشیده می‌دارند، تا توده‌های مردم از آنها آگاه نشوند.

برکدام جنازه می گرید؟



**ستم و تبعیض بر پایه
جنسیت ملغا باید گردد**

برکدام جنازه زار می زند این ساز؟

برکدام مردۀ پنهان می گرد

این ساز بی زمان؟

در کدام غار

برکدام تاریخ می موید این سیم و زه، این پنجۀ نادان؟

بگذار برخیزد مردم بی لبخند

بگذار برخیزد!

زاری در باغچه بس تلغ است

زاری برچشمۀ صافی

زاری بر لقاح شکوفه بس تلغ است

زاری بر شراع بلند نسیم

زاری بر سپیدار سبز بالا بس تلغ است.

بر برکۀ لا جور دین ماهی و باد چه می کند این مدیحه گوی تباہی؟

مطرب گو خانه به شهر اندر چه می کند

زیر دریچه های بی گناهی؟

بگذار برخیزد مردم بی لبخند

بگذار برخیزد!

(احمد شاملو)

رژیم جمهوری اسلامی زنان را در معرض بی رحمانه ترین و وحشیانه ترین شکل ستم، تبعیض و فشار قرار داده است.

رژیم جمهوری اسلامی، با وضع قوانین و مقررات ارتقائی و با ایجاد محدودیت ها و تضییقات مختلف، زنان را از ابتدائی ترین حقوق دموکراتیک، مدنی و انسانی خود محروم نموده و به یک شهروند درجه دو تبدیل کرده است.

سازمان فدائیان (اقلیت) میگوید:

- هرگونه ستم و تبعیض بر پایه جنسیت باید فوراً ملغاً گردد و زنان از حقوق کامل اجتماعی و سیاسی برابر با مردان برخوردار گرددند.

- تمام قوانین و مقررات مربوط به تعدد زوجات، صیغه، حق طلاق یکجانبه، مقررات مربوط به تکفل و سپرستی فرزندان، قوانین و مقررات تبعیض آمیز در مورد ارض، مقررات حجاب اجباری، جداسازی زن و مرد در موسسات و مراکز عمومی، و تمام مقررات و اقدامات سرکوبگرانه و وحشیانه نظیر شلاق، سنگسار وغیره باید به فوریت ملغاً گرددند.

- باید هرگونه فشار، تحقیر، اجبار، اذیت و آزار و خشونت علیه زنان در محیط خانواده ممنوع گردد و مجازات شدید در مورد نقض آنها اعمال شود.

- زنان باید از حقوق و مزایای برابر و کامل با مردان در ازای کار مساوی برخوردار باشند.

- زنان از امکانات و تسهیلاتی نظیر شیرخوارگاهها و مهد کودکها در محل کار و زندگی برخوردار باشند.

- به زنان باردار یکماه قبل و سه ماه بعد از زایمان بدون کسر حقوق و با برخورداری از امکانات پیشکی، درمانی و داروئی رایگان، مرضی داده شود.

- کار زنان در رشته هایی که برای سلامتی آنها زیان آوراست ممنوع شود.

سازمان فدائیان (اقلیت)

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه های خود را در دو نسخه جدا کانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

Kar
Postfach 260
1071 , Wien
Austria

I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

M . A . M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourse
75015 Paris
France

K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7
Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی
زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد موردنظر به
یکی از آدرس های سازمان ارسال نمائید.

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره های فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲

آلمان

اطریش

دانمارک

سوئد

سوئیس

فرانسه

کانادا

کارفرماها عموماً تلاش دارند با استفاده از
وام های دولتی، کارگران را با خرید کنند.
کارگران این واحدها شدیداً نگران آینده شغلی
خود هستند و می گویند، دیروز نوبت شادان
پور، امروز نوبت "نخکار" و فردام شخص نیست
قرعه به نام کدام یکازاین واحدهای تولیدی
بیافتد! کارگران خواهان ادامه کاری کارخانه
و ضمانت شغلی می باشد.

اخبار از ایران

* تجمع اعتراضی کارکنان شهرداری

روز شنبه هفتم تیر، بیش از هزار نفر از
کارکنان شهرداری آبادان، در محل شورای
شهر دست به تجمع اعتراضی زدند. این
کارکنان، خواهان پرداخت حقوق کامل و
مزایای فروردین، اردیبهشت و خردادماه
خود شدند. از آن جا که مسولین شهرداری
به خواست اعتراض کنندگان توجه نکردند،
کارکنان شهرداری روز یازدهم تیرماه، بار
دیگر در این محل دست به تجمع اعتراضی
زدند و خواستار پرداخت مطالبات معوقه
خود شدند. به دنبال این اقدام اعتراضی،
شهردار آبادان، در جمع اعتراض کنندگان
حاضر شد و وعده داد به زودی همه مطالبات
کارکنان پرداخت شود.

* اعتراض کارگران سامیکو

کارگران کارخانه سامیکو همدان، اواخر
خردادماه، در برابر فرهنگ سرای این شهر
دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار
پرداخت حقوق های معوقه، عیدي و پاداش
آخرسال خود شدند. بیش از شش ماه است که
دستمزد کارگران پرداخت نشده است. کارگران
تهدید کردند چنانچه به خواست آنان رسیدگی
نشود، دست به راهپیمایی خواهند زد.

* تجمع اعتراضی کارگران مبلیران

کارگران شرکت مبلیران، در اعتراض به عدم
پرداخت دستمزدهای خود، روزبیست و چهارم
خرداد دست به تجمع اعتراضی زده و جاده
مخصوص کرج را مسدود ساختند. این تجمع
با دخالت نیروهای سرکوب پایان یافت. اما
از آنجا که مطالبات کارگران برآورده نشد،
نژدیک به ۲۵۰ تن از کارگران در واخر خرداد
ماه، بار دیگر دست به تجمع اعتراضی زدند
و خواستار پرداخت مطالبات معوقه خود شدند.

* انحلال "نخکار" و بیکاری کارگران

کارخانه "نخکار" به بهانه ضردهی و کمبود
نقدينگی تعطیل و کارگران آن از کار بیکار
شدند. این کارخانه در غرب تهران واقع شده
است. کارگران سایر واحدهای تولیدی واقع
در این محور نیز با مشکلاتی مشابه مواجهاند.

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaian-minority.org



Organization Of Fedaian (Minority)

No. 409 juli 2003

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی